

رسانه‌ای کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

عبدالرضا جوان‌جعفری*، محمد نوروزی**

چکیده

رسانه‌ها نقش مهمی در واکنش به ارتکاب جرم در مراحل مختلف رسیدگی کیفری دارند. ابتکار قانون‌گذار در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصداق بارزی از فعالیت‌های وسایل ارتباط جمعی در مرحله تحقیقات مقدماتی است. به موجب این مقرر، رسانه‌ها، با انتشار هویت متهم متواری، این بخش از فرایند دادرسی را تسهیل می‌کنند. در واقع با گریختن متهم، رسیدگی دادرسی متوقف می‌شود و با انتشار مشخصات و دسترسی مجدد به وی تعقیب کیفری دوباره به جریان می‌افتد. همچنین با رسانه‌ای شدن هویت متهم بازداشت‌شده که به ارتکاب جرایم متعدد اقرار کرده است، بزه‌دیدگان فرصت اقامه دعوا جهت تعقیب وی را خواهند داشت. البته قانون‌گذار، با ملاحظه معایب این عملیات، رسانه‌ای کردن هویت متهم را محدود و منوط به رعایت یک سری ضوابط قانونی کرده است. هدف از این نوشتار، ضمن تبیین کارکردها و ایرادات رسانه‌ای کردن هویت متهم در مرحله تحقیقات، مطالعه این ضوابط جهت ممانعت از هر گونه بی‌نظمی است. روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی و انتقادی است و با استفاده از منابع اصیل کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بنا به مطالعات نظری پژوهش، درج مشخصات متهم در رسانه‌ها دارای ماهیت قضایی بوده و لازم است «آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار هویت متهم»، که در بردارنده بایسته‌هایی چون رسانه مجاز به انتشار هویت، تعداد انتشار آگهی و... است، توسط متخصصین تدوین گردد.

واژگان کلیدی: رسانه، انتشار هویت، تحقیقات مقدماتی، شاکی، مقام قضایی

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

javan-j@um.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

mohamadreza502@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

شخص ایرانی که متهم به بریدن یک عضو مرد آمریکایی بود توانست از چنگ مأموران پلیس گریخته و متواری گردد. تلاش‌های گسترده دستگاه عدالت کیفری آمریکا برای یافتن وی به نتیجه نرسید و در نهایت پلیس اقدام به رسانه‌ای کردن هویت متهم کرده و برای شناسایی و پیدا کردن وی مبلغ ۲۰۰ هزار دلار جایزه تعیین نمود. به گزارش نیویورک تایمز، ماجرا از این قرار بوده که «حسین نیری»، «جوناتان تیو» و «بک دونگ»، سه زندانی خطرناک که منتظر محاکمه بوده‌اند، توانستند از زندانی در آمریکا بگریزند. دپارتمان پلیس اورنج کانتی^۱ ضمن انتشار هویت آن‌ها پوستری را چاپ و پخش کرد که بر روی آن‌ها نوشته شده بود به هر اطلاعاتی که منجر به دستگیری سه زندانی فراری از زندان «اورنج کانتی سنترال» کالیفرنیا شود تا سقف ۲۰۰ هزار دلار پاداش داده خواهد شد.

از جمله معضلاتی که مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی در تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند متواری شدن مرتکب جرم است. مراجع مذکور برای حل این مشکل راهکارهای متنوعی اتخاذ کرده‌اند که عمده‌ترین آن انتشار چهره ایشان در رسانه‌های عمومی و مطبوعات جهت شناسایی و تعقیب است (Hunter, 2010: 230)؛ به‌طور مثال، در برنامه معروف «توقف جرم»^۲، با رسانه‌ای کردن هویت مظنون فراری، از شهروندانی که دارای اطلاعات خاص از وی، صحنه جرم و بزه‌دیده هستند تقاضا می‌شود اطلاعات خود را در اختیار مراجع ذیصلاح قرار دهند (Miler and Hess, 2017: 233). پیشینه برنامه مذکور به سال ۱۹۷۶ در شهر آلبوکرک^۳ ایالت نیومکزیکو^۴ برمی‌گردد که کارآگاه «گرگ مک آلینز»^۵ جهت درخواست اطلاعات مربوط به قتل یک دانشجو به بازسازی تلویزیونی آن جرم پرداخت و برای هر گونه اطلاعات ناشناس که منجر به دستگیری مرتکبین جرم می‌شد، جایزه‌ای تعیین نمود (Rosenbaum, 1986: 2). این موضوع در برنامه‌های مشابه دیگری چون «شاهد مخفی»^۶ و «پرس‌وجو و جمع‌آوری اسناد و مدارک»^۷ قابل مطالعه بوده که در آن‌ها «رسانه» نقش محوری در تعقیب مجرمین دارد (فرهمندفر، ۱۳۸۰: ۱۰۲-۱۰۰).

۱. اورنج کانتی (Orange County) نام یک شهرستان در ایالت کالیفرنیا در کشور آمریکاست.

2. Crime stoppers
3. Albuquerque
4. New Mexico
5. Greg MacAleese
6. Secret Witness
7. Press and collect the documentation

در ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، گرچه به‌طور ضمنی حکم به تجویز رسانه‌ای کردن هویت متهم جهت تعقیب وی داده شده بود^۱، لکن به‌علت وجود برخی آثار سوء تمایل چندانی به انجام این عمل وجود نداشت. این بی‌میلی باعث شده بود در قضایای متعددی چون تجاوز به چند زن در خمینی‌شهر اصفهان در سال ۱۳۹۰ پلیس به‌شدت مورد انتقاد قرار گیرد.^۲ از طرفی برخی حقوق‌دانان نظیر دکتر علی خالقی نیز صرف اجازه ضمنی برای رسانه‌ای کردن هویت متهم را کافی ندانسته و معتقد بودند نیاز به اجازه صریح قانون‌گذار است (خالقی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). به هر حال مقنن با ملاحظه کارکردهای این عملیات، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقام قضایی را بر آن داشت که، برای تعقیب برخی متهمین متواری، اقدام به انتشار هویت ایشان کند. این موضوع در بند (الف) ماده ۹۶ این قانون مورد تصریح قرار گرفت. البته تنها کارکرد قانونی رسانه‌ای کردن هویت متهم کنکاش برای پیدا کردن وی نبود، چنان‌که برای یافتن بزه‌دیدگان متعدد و نامعلوم جهت اقامه دعوی نیز می‌توان به این عملیات اقدام کرد.^۳ این موضوع در بند (ب) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

هدف از نگارش این مقاله واکاوی نقادانه درج عکس و مشخصات متهم در رسانه‌ها جهت ارزیابی کاربردها و پیامدهای سوء آن، تبیین موارد مجاز، شرایط و الزامات قانونی این عملیات جهت علمی‌تر شدن انجام آن است. در واقع رسانه‌ای کردن هویت اشخاصی که محکومیتشان ثابت نشده است زمینه‌ساز هتک حیثیت، تجاوز به حقوق ایشان و آسیب به عدالت کیفری را فراهم می‌سازد؛ لذا ضروری است این اختیار به‌طور محدود و قاعده‌مند به مقامات قضایی اعطا گردد. اهمیت مطالعه این موضوع از آن جهت بوده که منظور قانون‌گذار، از مشارکت دادن رسانه‌ها در اجرای برنامه‌های مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی، ارتقای نسبی عدالت کیفری است. واگذاری چنین اختیاری،

۱. به‌رغم محرمانه‌بودن داده‌های مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی، بنا به نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲ مطابق بند (الف) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، داسرا عهده‌دار کشف، تعقیب متهم، حفظ حقوق عمومی و... می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد با توجه به گسترده‌بودن جرایم ارتكابی بعضی از متهمین که آدرس درستی از آن‌ها در دست نبوده و دستگیری آن‌ها با مشکل جدی مواجه شده است، داسرا برای شناسایی چنین افرادی دستور چاپ و انتشار عکس‌های آنان را صادر نماید.

۲. برای شرح قضیه، نک: (تابناک، کد خبر: ۱۷۱۳۱۸، ۱۳۹۰/۳/۲۸).

۳. البته رسانه‌ها یک سری نقش‌های دیگر در مرحله کشف و تعقیب دارند که عبارت‌اند از: انتشار مشخصات گم‌شدگان، جستجوی شهود، انتشار تصاویر کالا و شماره اسکناس‌های مسروقه و... (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

خارج از یک چهارچوب مشخص و به طور نامحدود، نه تنها فایده مند نیست، بلکه ممکن است باعث ایجاد بی نظمی و آسیب بیشتر به حقوق متهم گردد.

برای نیل به این مطلوب، ابتدا به بررسی کارکردهای رسانه‌ای کردن هویت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌پردازیم (مبحث اول). شناسایی متهمین متواری و یافتن بزه‌دیدگان نامعلوم از مهم‌ترین مصالح انتشار مشخصات متهم در رسانه‌هاست. البته همان طور که بیان شد، انجام این عملیات خالی از انتقاد نبوده است، چنان‌که باعث سلب حیثیت متهم، نافی محرمانه بودن تحقیقات و زمینه‌ساز اعمال نفوذ در فرایند دادرسی و محاکمه می‌شود. بدین ترتیب در قسمت دوم مقاله به مطالعه آثار رسانه‌ای کردن هویت متهم در مرحله تحقیقات خواهیم پرداخت. به‌رغم این آثار سوء، مقنن، با ملاحظه ضرورت انتشار هویت متهم در رسانه‌ها و مطالعه کارکردهای آن، به لحاظ قانونی آن را در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری الزامی ساخت. این ضرورت حکایت از اهمیت مشارکت رسانه‌ها جهت ارتقای نظم عمومی دارد، مشروط به اینکه به صورت ضابطه‌مند صورت گیرد. در غیر این صورت ممکن است نتیجه عکس دهد. البته با توجه به آثار سوء انتشار هویت متهم و توجه به این موضوع که اتهام وی هنوز اثبات نشده است، قانون‌گذار لازم دانسته این عملیات منحصر به موارد استثنائی و خاص گردد. بدین ترتیب در مبحث سوم مقاله، به مطالعه مصادیق مجاز رسانه‌ای کردن هویت متهم پرداخته و، ضمن آن، الزامات و ضوابط این عملیات را مطالعه خواهیم کرد.

۱. انتشار هویت متهم و کارکردهای آن

منظور از این عملیات ملموس ساختن وضعیت متهم در بین مردم بوده است، به‌گونه‌ای که با انتشار نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی باشد، وی توسط مردم شناخته شود. امروزه این موضوع در قالب رسانه‌ای کردن اطلاعات متهم در قاب تلویزیون، روزنامه‌های کثیرالانتشار، سایت‌های خبری پربیننده یا فضای مجازی صورت می‌گیرد. گرچه این عملیات حامل نوعی بار منفی است و دلالت بر رسواکردن متهمین پیش از صدور حکم دارد؛ لکن ضرورت تکمیل تحقیقات انجام آن را توجیه می‌کند. در این رابطه تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که انتشار هویت متهم الزام قانونی نداشت، متوقف شدن جریان تحقیقات و ضرورت به جریان انداختن آن موجب شد اداره کل حقوقی قوه قضاییه نظر به مشروعیت این عمل دهد.^۱ با ملاحظه اهمیت این موضوع، قانون‌گذار در ماده ۹۶ قانون مذکور اقدام به پیش‌بینی صریح

۱. همان طور که گفتیم این موضوع در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲ پیش‌بینی شد.

این عملیات کرد. حال باید دید که درج مشخصات و چهره متهم در رسانه‌ها به چه منوال در تکمیل تحقیقات قضایی نقش دارد.

از جمله کارکردهای رسانه‌ای کردن هویت متهمین مشارکت دادن مردم در فرایند تعقیب متهمین متواری است. این موضوع که اصولاً بزهکار پس از ارتکاب جرم سعی در گرفتارنشدن در چنگال عدالت کیفری دارد و گاهی موفق به اختفا می‌شود مأموران را بر آن داشته است که تلاش خود را صرف شناسایی مخفیگاه وی کنند و تمام منابع اطلاعاتی راجع به مجرم و محل اختفای وی را جمع‌آوری کنند. البته از آنجا که دسترسی به تمامی این منابع اطلاعاتی برای ایشان غیرممکن بود، رسانه‌ای کردن هویت متهم تحت تعقیب^۱ برای مراجعه و اطلاع‌رسانی شهروندان آگاه از موقعیت وی ضروری است (Hess and Bennett, 2006: 17). اهمیت این کارکرد باعث شده بود که، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید، چهره متهمین گاهی توسط پلیس رسانه‌ای شود؛ چنان‌که در مهرماه سال ۱۳۹۱، پلیس با انتشار تصویر متهمی که با تأسیس شرکت کاغذی «پیمان‌گستر احمدی» اقدام به کلاهبرداری گسترده کرده بود، از شهروندان خواست تا وی را شناسایی کنند.^۲ با تصویب این قانون، این ضرورت اساس ایجاد بند (الف) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری شد. البته رسانه‌های جمعی، با اطلاع‌رسانی جرم ارتكابی و مشخصات بزهکاران متواری که دستگاه پلیس در جست‌وجوی آن‌هاست، به‌طور ضمنی نقش بازدارنده دارند و، با دادن اطلاعات هشداردهنده به سایر افراد، مانع از ارتکاب جرایم احتمالی در آینده می‌شوند (Hunter, 2010: 233)، چنان‌که برخی سایت‌های خبری، ضمن تصریح این فایده، اشاره‌ای به جنایت کودک‌ربای مرودرستی در سال ۱۳۸۰ می‌کنند که، با کوتاهی پلیس در انتشار تصویر وی، ۴۶ طفل مورد تجاوز قرار می‌گیرد.^۳ این بازدارندگی ممکن است به شکل دیگر صورت گیرد، چنان‌که متهم با ملاحظه رسانه‌ای شدن هویتش از ارتکاب به جرم یا مداومت به آن پرهیز کند. در این رابطه با پخش برنامه «اخطار آمبر»^۴ در آمریکا، ملاحظه شده است که آدم‌ربایان به‌کرات پشیمان شده‌اند و کودکان بزه‌دیده را رها ساخته‌اند (Timothy and Miller, 2010: 15).

1. Wanted suspects

۲. سایت تحلیل خبری عصر ایران، کد خبر: ۲۳۷۶۵۰، ۱۳۹۱/۷/۳۰.

۳. به‌طور نمونه، نک: (شیعه‌نیوز، کد خبر: ۲۱۷۲۶، ۱۳۹۰/۳/۲۸).

4. Amber Alert

←

همچنین ممکن است متهم بازداشت شود ولی، به علت ارتکاب جرایم متعدد و نامعلوم بودن بزه‌دیدگان یا عدم اطلاع آن‌ها از توقیف متهم، رسانه‌ای کردن هویت وی جهت اقامه دعوا ضروری باشد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، پلیس گاهی به این منظور اقدام به رسانه‌ای کردن هویت متهمین کرده بود؛ چنان‌که در یک مورد در دی ماه سال ۱۳۹۲ با بازداشت و اقرار صریح فردی که تحت عنوان مأمور برق به زنان تجاوز می‌کرد و شناسایی تعداد دیگری از شکات و ارائه دلایل علمی از سوی پزشکی قانونی، دستور انتشار تصویر متهم از سوی مقام قضایی جهت شناسایی شکات احتمالی صادر شد.^۱ با تصویب قانون یادشده، انتشار هویت متهم به منظور شناسایی بزه‌دیدگان در بند ب ماده ۹۶ صراحتاً پیش‌بینی گردید. البته انتشار چهره و مشخصات متهم بازداشت‌شده این قابلیت را نیز به وجود می‌آورد که اگر شخص ثالثی از هویت متهم و جرایم ارتكابی وی اطلاعاتی داشته باشد، بتواند داده‌های خویش را در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار دهد؛ چنان‌که در قضیه خفاش شب در سال ۱۳۷۶، با چاپ تصاویر متهم بازداشت‌شده که خود را افغانی معرفی کرده بود یکی از بستگانش او را شناسایی کرد و به این شکل هویت اصلی وی مشخص شد.^۲ به هر حال وجود برخی آثار سوء باعث شده بود، تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تمایل چندانی به این عملیات وجود نداشته باشد و، با تصویب قانون مذکور، این عملیات به طور محدود و قاعده‌مند تدوین گردد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۲. آثار سوء رسانه‌ای کردن هویت متهم

در کنار این مزایا، یک سری معایب جهت رسانه‌ای کردن هویت متهم وجود دارد. از آنجا که شناساندن متهم به مردم باعث زایل شدن حقوق معنوی و هتک حیثیت وی می‌گردد، از جمله حقوق شناخته‌شده اشخاص تحت تعقیب عدم درج تصویر و هویت ایشان در رسانه‌های جمعی است.^۳ در واقع چون ممکن است متهم در فرایند دادرسی کیفری محکوم نشود و در نهایت از وی رفع اتهام گردد، رسانه‌ای کردن هویت وی امری مخرب و غیرقابل جبران تلقی می‌گردد. این موضوع به علت وجود فاصله

اخطار آمبر سیستم رسانه‌ای در آمریکا است که به موجب آن در خصوص اطفال گم‌شده اطلاع‌رسانی می‌شود و از عموم مردم برای نجات وی درخواست کمک می‌شود. به عبارت دیگر، اگر کودکی گم شده یا ربوده شود و مقامات عمومی بر این باور باشند که کودک در خطر جدی قرار دارد، اخطار آمبر از طریق تلویزیون، رادیو، اینترنت و پیامک ارسال می‌شود.

۱. سایت خبری جام‌جم، کد خبر: ۱۳۵۱۳۸۵۰۹۳۲۹۲۸۵۰۶۲۹، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹.

۲. سایت تحلیلی خبری عصر ایران، کد خبر: ۳۵۰۴۷۹، ۱۳۹۳/۵/۲۳.

۳. ستارپور، قادر، روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۴/۳/۴: ۴.

بعید بین انتساب اتهام و اثبات آن در محکمه و قرارگرفتن فرد در پناه اصل برائت است که ضروری می‌نماید حیثیت وی از تعرض مصون مانده و از تمامی تضمینات دفاعی تا قبل از اثبات جرم بهره‌مند باشد. بر فرض اثبات اتهام نیز منطقی نیست که خانواده مرتکب جرم آماج حملات خویشان و اطرافیان قرار گیرند. در واقع این موضوع با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات خواهد داشت (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۴۰). همچنین تحمیل تحقیر در این حالت با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌های مذکور در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی^۱ در تعارض روشن قرار دارد. وانگهی، چنین اقدامی با بُعد تربیتی مجازات‌ها نیز منافات دارد و به انزوای همیشگی فرد از صحنه اجتماع منجر می‌شود.

از دیگر انتقادات وارد بر رسانه‌ای کردن هویت متهم تأثیر منفی آن بر دادرسی در نتیجه حصول عوام‌گرایی کیفری^۲ است. در واقع با انتشار تصویر متهم، نوعی قضاوت منفی در بین مردم راجع به او شکل می‌گیرد و این موضوع باعث ایجاد فشار بر دستگاه قضایی جهت صدور حکم محکومیت یا رأی به مجازات سنگین می‌شود.^۳ علت این اتفاق همانندسازی جامعه با بزه‌دیده است که، ضمن ایجاد ترس در آن‌ها، موجب ایجاد این تصور شود که متهم مجرمی خطرناک است و نیاز به یک واکنش سریع و جدی جهت علاج فوری واقعه است. مراجع قضایی نیز به‌منظور جلب افکار عمومی، لاجرم، به اتخاذ تصمیمات سزاگرا اقدام می‌کنند؛ به‌طور مثال، در زورگیری روز یازدهم آذر ماه سال ۱۳۹۱ که فیلم متهمین به‌طور گسترده در کانال‌های خبری پوشش داده شد، محکمه حکم به اعدام مرتکبین این جرم در ملأعام داد. با صدور چنین حکمی، برخی کارشناسان معتقد بودند که رسانه‌ای شدن ماجرای زورگیری در سرعت فرایند رسیدگی و نتیجه نهایی حکم بی‌تأثیر نبوده است.^۴ بدین ترتیب پس از رسانه‌ای کردن اصل ماجرا و هویت متهم، وی قبل از محاکمه در دادگاه قضایی در

۱. بنا به این مقرر، حکم به مجازات و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند.

2. penal populism

عوام‌گرایی کیفری عبارت است از دنبال کردن مجموعه‌ای از سیاست‌های کیفری برای جلب آرای مردم به‌جای پیروی از نظر کارشناسان جهت کاهش تخصصی جرم یا ارتقای عدالت. برای مطالعه بیشتر در این حوزه، نک: (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲).

۳. میرمحمدصادقی، حسین، همشهری، کد مطلب: ۳۶۷۵، ۱۳۹۲/۶/۴.

۴. چنان‌که بهمن کشاورز، وکیل دادگستری و حقوق‌دان ضمن ارائه فرضیه مذکور، این سؤال را مطرح کرد که اگر از این قضیه فیلمی در سطح وسیع منتشر نمی‌شد، باز هم سیر قضیه به همین سرعت و رأی صادره به همین شدت می‌بود. وی در ادامه ابراز داشت که رسانه‌ای شدن قضیه در سرعت رسیدگی و نتیجه نهایی حکم بی‌تأثیر نبوده است. به نقل از: (ترزیمی‌نژاد و جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

فضای مطبوعات و به تبع آن جامعه محکوم شد و اگر قاضی بخواهد وی را تبرئه یا به مجازات منصفانه محکوم کند، راه سختی خواهد داشت.^۱ به علاوه، انتشار تصاویر متهم در مطبوعات تأثیر منفی بر ذهن قاضی صادرکننده حکم می‌گذارد و این سرآغازی بر محکومیت و مجازات شدید متهم است. در واقع برخی قضات نسبت به اقدامات صورت گرفته در دادسرا بی تفاوت نیستند و در صورت مشاهده سخت‌گیری‌هایی چون رسانه‌ای کردن هویت متهم آن را اماره‌ای بر مجرم بودن متهم فرض می‌کنند؛ مخصوصاً آنکه برای صدور چنین دستوری می‌بایست دلایل کافی برای توجه اتهام به فرد تحت تعقیب وجود داشته باشد.^۲

همچنین با رسانه‌ای کردن هویت متهم متواری، وی ممکن است از کشف جرم توسط مراجع قضایی و انتظامی و تحت تعقیب بودن خود مطلع شود و تمام تلاش خود را جهت مخفی ماندن محل اختفا، برهم زدن صحنه جرم و تبانی در جهت منحرف کردن مسیر تحقیقات انجام دهد. در این رابطه در قضیه زورگیری آذر ماه سال ۹۱، سردار احمدرضا رادان، جانشین فرمانده نیروی انتظامی، با اشاره به دستگیری مرتکبین این جرم گفت: «پلیس پس از وقوع این حادثه به مجرمان نزدیک شده بود و می‌رفت که زورگیران را دستگیر کند، ولی متأسفانه به دلیل انتشار فیلم در سایت‌ها مجرمان هم از این امر آگاه شده و فرار کردند و این موضوع باعث شد که عملیات دستگیری آن‌ها با تأخیر انجام شود.» وی در ادامه با گلایه از انتشار این فیلم افزود: «این فیلم می‌توانست به پلیس و به واحدهای مسئول کمک کند، ولی در حقیقت به مجرمان کمک کرد و باعث متواری شدن آنان و به زحمت انداختن پلیس برای دستگیری این افراد شد.»^۳ بدین ترتیب به جای آنکه رسانه‌ها در جهت تسهیل فرایند دادرسی و تعقیب قدم بردارند، گاهی وسیله‌ای در دست متهم شده‌اند تا راحت‌تر بتوانند از تسلط عدالت کیفری بگریزند.^۴

۱. برای اطلاعات بیشتر در این حوزه، نک: (مهدوی‌پور و شهرانی‌کهرانی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۴). طبعاً این موضوع در صدور قرار کیفری سنگین‌تر نیز مؤثر بوده است و باعث تحقق مبانی آن می‌شود، چنان‌که روند رسانه‌ای کردن هویت متهم موجب شکل‌گیری انتظاراتی در افکار عمومی شده است که در پاسخ به این انتظارات قرارهای تأمین کیفری می‌بایست شدیدتر اتخاذ شود.

۲. قسمتی از بند الف ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری

۳. تابناک، کد خبر: ۲۹۱۶۲۲، ۱۳۹۱/۹/۲۵.

۴. در این رابطه متهم قتل‌های زنان خیابانی معروف به خفاش شب در اظهارات خود اعتراف کرد که روزنامه‌های سراسری و محلی را هر روز مطالعه می‌کرده است تا در صورت یافت نمودن سرنخی توسط مأموران جنایت‌هایش را

در نهایت باید به این موضوع اشاره کرد که انتشار هویت متهم ممکن است باعث تحریف شهادت شود و کسی که مجرم واقعی نیست مجازات شود. این موضوع به‌طور عمده به دو شکل صورت می‌گیرد و مربوط به زمانی است که مرتکب واقعی جرم شخصی غیر از متهم تحت تعقیب است و شاهد نیز از این موضوع آگاه باشد. در حالت اول شاهد با تأثیرپذیری از فعالیت‌های رسانه ممکن است تصور کند اشتباه کرده است و مرتکب واقعی جرم همان شخص رسانه‌ای شده است (دادستان، ۱۳۸۲: ۲۶۳). در حالت دوم شاهد به تصور خود اگر برخلاف داده‌های رسانه مجرم واقعی را معرفی کند، ممکن است به دروغ‌گویی و افترا متهم گردد؛ چراکه مطبوعات به تشخیص و دستور مقام قضایی اقدام به رسانه‌ای کردن هویت متهم کرده‌اند و هرگونه اقدام خلاف نظر دادسرا موجب انواع مسئولیت‌های کیفری و مدنی می‌شود. بنابراین ممکن است شاهدان قضیه به‌طور عامدانه یا ناخودآگاه از فضای رسانه پیروی کرده باشند و به‌نحوی شهادت دهند که هم‌سو با نظر آن باشد یا از اقامه شهادت پرهیز نمایند. امکان تحقق این موضوع به طریق اولی نسبت به مطلعینی که شاهد ارتکاب جرم نبوده‌اند ولی دارای یک سری اطلاعات خاص نسبت به بزه ارتكابی، بزه‌کار و بزه‌دیده هستند بیشتر است؛ چراکه داده‌های ایشان مبتنی بر امور حسی نیست و به‌راحتی نقض‌شدنی است.^۱

با ملاحظه این آثار، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید، مراجع قضایی و انتظامی کمتر به درج مشخصات متهم در رسانه‌ها اقدام می‌کردند. پس از تصویب این قانون نیز به‌موجب ماده ۴۰ افشای اطلاعات مربوط به متهمین ممنوع اعلام شد؛ چنان‌که به‌موجب این مقرر، «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است». به‌رغم عدم پیش‌بینی صریح این حکم برای متهمین، به نظر می‌رسد این ممنوعیت شامل افشای اطلاعات مربوط به هویت ایشان به‌عنوان یکی از «اشخاص مرتبط با پرونده» نیز بشود (خالقی، ۱۳۹۵: ۶۷) و برای افشاگران آن مجازات مقرر در ماده ۶۳ این قانون تعیین گردد.^۲ البته قانون‌گذار با ملاحظه کارکردهای رسانه جهت به جریان انداختن تحقیقات، در موارد خاص اجازه انتشار هویت متهم را داده است.

متوقف کند، لکن پس از مدتی مجدداً به عمل شنیع خود اقدام می‌کرده است (روزنامه انتخاب، شماره ۶۵۷، ۱۳۸۰/۵/۷: ۹).

۱. به همین دلیل ارزش اطلاعات شخص مطلع در حد امارات قضایی است و به‌عنوان یک دلیل قانونی به آن نگریسته نمی‌شود.

۲. به‌موجب این مقرر، «تخلف از مقررات موادی چون ماده ۴۰ این قانون توسط ضابطان موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی گردد».

اعطای این اختیار به مقامات داسرا تجاوز به حقوق افراد در فرایند تحقیقات است و لازم است با رعایت ضوابط قانونی ویژه صورت گیرد؛ در غیر این صورت مسئولیت آور خواهد بود. در ادامه ضمن مطالعه موارد مجاز رسانه‌ای کردن هویت متهم در قانون به مطالعه این ضوابط خواهیم پرداخت.

۳. گونه‌شناسی افشای هویت متهم و ضوابط آن

همان طور که بیان شد، به‌رغم آثار منفی رسانه‌ای کردن هویت متهم، این عملیات نقش بسزایی در یافتن بزهکاران متواری و بزه‌دیدگان نامعلوم دارد. قانون‌گذار با در نظر گرفتن این مهم در بندهای (الف) و (ب) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، این اختیار را به مقام قضایی داده‌اند که اگر دلایل کافی برای اثبات اتهام شخص متواری وجود داشت یا اینکه بزه‌دیده نامعلوم بود، به انتشار تصویر متهم در مرحله تحقیقات اقدام کند. این حکم حصری است؛ چنان‌که به‌موجب نظریه مشورتی ۷/۹۴-۲۹۹۲/۱۰/۲۹ اداره حقوقی قوه قضائیه جواز مذکور در بندهای این مقرر استثنائی است و به دلیل مغایرت انتشار تصویر متهم با محرمانه‌بودن تحقیقات، اصل برائت و حمایت از حریم خصوصی باید حد استثناء را محمول بر قدر متیقن نمود.^۱ به‌علاوه، استعمال عبارت «در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی» در مقرر مذکور به معنای جواز انجام این عملیات در مرحله دادرسی نیست و با ارسال پرونده به دادگاه، جواز انجام این عملیات در دو مورد یادشده نیز از بین می‌رود (خالقی، ۱۳۹۵، ۱۴۱-۱۴۰). نکته‌ای که باید به آن توجه داشت استفاده مطلق قانون‌گذار از لفظ رسانه بوده است. این مفهوم مصادیق گوناگونی از روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت در دو سطح ملی و محلی را شامل می‌شود و به نظر می‌رسد بنا به تصمیم مقام قضایی بتوان از هر کدام از این تجهیزات جهت درج مشخصات متهم استفاده کرد. از طرفی دفعات مجاز انتشار هویت متهم در رسانه‌ها مشخص نگردیده است که به نظر می‌رسد احکام آن در هریک از بندهای مقرر متفاوت باشد. به هر حال با توجه به اهمیت موضوع، دخالت و موافقت دو مقام قضایی دادستان و بازپرس

۱. برای اطلاعات بیشتر، نک: (رحیمی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). البته گاهی مشاهده شده است که این عملیات برخلاف مفاد ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفته است؛ به‌طور مثال اخیراً پس از پخش ویدئوهای رقص دختری در فضای مجازی، وی بازداشت گردید و اعترافاتش در رسانه منتشر شد. اگرچه ضمن پخش اعترافات، تصویر متهم به‌طور مات بود، لکن با توجه به اظهارات صورت‌گرفته و سایر مشخصات وی، هویت اصلی آن دختر مشخص گردید. در این پرونده متهم نه متواری بود و نه دارای شاکی خصوصی که برای یافتن آن‌ها هویت وی رسانه‌ای شود (نک: ایسنا، ۱۳۹۷/۴/۲۰، کد خبر: ۹۷۰۴۲۰۱۰۸۸۵).

جهت انتشار هویت متهم ضرورت دارد^۱ و در صورت عدم حصول توافق بین این دو، حل اختلاف موضوع با دادگاه صالح خواهد بود. در این قسمت به تشریح این موارد و ضوابط لازم برای رسانه‌ای کردن هویت متهم می‌پردازیم.

۱-۳. درج مشخصات متهم جهت شناسایی وی یا تکمیل پرونده

مجرمین پس از ارتکاب جرم در عمل سعی داشتند که از چنگ عدالت کیفری گریخته و پنهان شوند. اختفای ایشان ضمن آنکه باعث افزایش صدمه روحی بزه‌دیده می‌شود، سرعت رسیدگی به پرونده را کاهش داده، هزینه‌های مربوط به رسیدگی جزایی را افزایش می‌دهد و در نهایت منجر به خروج وی از چنگال عدالت کیفری می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۱). با توجه به این آثار نامطلوب، قانون‌گذار به منظور آشکارشدن محل اختفای متهم این اجازه را به مدعی‌العموم داده است که اقدام به انتشار چهره وی در رسانه‌ها کند و در صورت صلاحدید برای پیدا کردن وی جایزه‌ای نیز تعیین نماید.^۲ البته این موضوع مربوط به زمانی بوده است که متهم شناسایی شده و مشخصات سجلی وی معلوم باشد؛ در غیر این صورت تصویری که از وی منتشر می‌شود، بر اساس مشخصات ظاهری که توسط شاکی یا سایر افراد اعلام شده است خواهد بود.^۳ بدین ترتیب با انتشار تصویر به‌دست‌آمده از چهره‌نگاری، متهم ناشناس تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. البته در به‌تصویر کشیدن و انتشار چهره شخص مظنون باید دقت فراوانی به خرج داد؛ چراکه هر گونه بی‌دقتی در این حوزه باعث آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سایر افراد می‌شود.^۴ همچنین با توجه به این موضوع که هدف اصلی از انتشار هویت متهم حضور وی نزد مراجع ذی‌صلاح است، به نظر می‌رسد با استناد به ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً یک بار به رسانه‌ای کردن هویت وی می‌توان اقدام کرد، هر چند که دور از ذهن

۱. این شرط در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. در صورتی که پرونده می‌بایست مستقیماً به دادگاه فرستاده شود، قاضی دادگاه عهده‌دار این موضوع خواهد بود.

۲. علی‌رغم پیش‌بینی نشدن این موضوع در قانون، گاهی چنین رفتاری انجام شده است، چنان‌که با فرار متهم در پرونده قتل اعلام شد: «با شناسایی این متهم به قتل فراری، یک میلیون تومان جایزه بگیرد.» (ایسنا، کد خبر: ۱۱۲۷۸-۸۶۰۷، ۱۳۸۶/۷/۲۱)

۳. قسمت انتهایی از بند الف ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری

۴. در این رابطه باید به اشتباه چند رسانه در انتشار تصویر یک شخصیت علمی به‌جای چهره متهم به اسیدپاشی اشاره کرد. در واقع عکس منتشر شده‌ای که گمان می‌رفت تصویر چهره‌نگاری از متهم اسیدپاشی بوده است، بعد ساعاتی مشخص شد تصویر فردی در انجمن ملی استاندارد ایران است. برای شرح بیشتر این واقعه، (نک: آفتاب‌نیوز، کد خبر: ۲۶۸۹۲۴، ۱۳۹۳/۸/۶).

نیست، به علت گریز از چنگال عدالت کیفری، این عمل مکرراً صورت گرفته شود تا متهم شناسایی و در نهایت دستگیر گردد. به هر حال، واگذاری وسیع این اختیار به مراجع قضایی زمینه تجاوز به حریم خصوصی متهم را فراهم می‌آورد؛ لذا لازم است شرایطی پیش‌بینی گردد تا در گذر از آن تعرض به حقوق وی کاهش یابد. قانون‌گذار با در نظر گرفتن این قاعده مهم برای رسانه‌ای کردن هویت متهم متواری یک سری ضوابط در بند الف ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی کرده است که در ادامه بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۳- ارتکاب عمدی جرایم مهم

اولین پیش‌شرط قانون‌گذار صحبت از ارتکاب عمدی جرایم مهم است. منظور از «ارتکاب» تحقق عمل مجرمانه است، به گونه‌ای که مرتکب از انجام آن فارغ شده باشد. به علاوه، ضروری است آن عمل همراه با عنصر روانی لازم صورت گرفته شود و «عمدی» باشد. البته با توجه به میزان فراوان وقوع جرایم در جامعه و محدود بودن ظرفیت رسانه‌ها در انعکاس این حوادث، باید این وقایع پالایش شوند و از میان آن‌ها تنها به آن دسته از جرایم مهم پوشش رسانه‌ای داده شود. رعایت حقوق و آزادی‌های فردی هم ایجاب می‌کند که تنها در مصاف با جرایم سنگین چنین اختیاری برای مقام قضایی وجود داشته باشد و در صورت کم‌اهمیت بودن جرم ارتكابی از رسانه‌ای کردن هویت متهم متواری پرهیز شود؛ مخصوصاً آنکه اتهام این افراد هنوز اثبات نشده است و ممکن است از آن تهرئه گردند. قانون‌گذار با توجه به این موضوع در بند (الف) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری تنها در مواجهه با جرایم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون چنین اختیاری را به مقامات قضایی دادسرا داده است. بنا به این مقرر، تنها در مصاف با جرایم مستوجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو، جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن^۱ و جرایم تعزیری درجه سه و بالاتر^۲ حق انتشار هویت متهمان وجود دارد. منظور از مجازات‌های سلب حیات، قصاص نفس، اعدام و سایر مجازات‌هایی است که نوعاً منجر به مرگ می‌شود، مانند رجم. مجازات حبس ابد در نظام کیفری ایران برای برخی جرایم حدی^۳ و تعزیری^۴ پیش‌بینی شده است. قطع عضو نیز غیر از قصاص عضو است و شامل مجازات‌های محاربه و سرقت

۱. با اصلاحات صورت گرفته در تاریخ ۹۴/۳/۲۴، میزان «ثلث دیه کامل» به «نصف دیه کامل» افزایش یافت.

۲. با اصلاحات صورت گرفته در تاریخ ۹۴/۳/۲۴، مجازات تعزیری «درجه چهار و بالاتر» به «درجه سه و بالاتر» تغییر یافت.

۳. مجازات حبس ابد برای تکرار مرتبه سوم سرقت حدی (ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی)

۴. مجازات حبس ابد در جرایم مواد مخدر (مواد ۴ و ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر)

حدی می‌شود. همچنین جنایت علیه تمامیت جسمانی شامل جرایم عمدی علیه اعضای بدن است، اعم از اینکه شاکی تقاضای قصاص یا دیه کرده باشد. آخرین گونه از جرایمی که در مصاف با آن‌ها حق رسانه‌ای کردن هویت متهم وجود دارد جرایم مستوجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر است. برای شناسایی این مجازات‌ها باید به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رجوع کرد.^۱ مشخصاً در تمام این موارد، مجازات مقرر قانونی برای رفتار مجرمانه و نظر دادسرا برای انتساب عنوان اتهام ملاک است. ارتکاب این جرایم از طرفی صدمات جبران‌ناشدنی بر پیکره جامعه و اعضای آن وارد می‌کند و از طرف دیگر سنگینی مجازات احتمال فرار مجرمین را افزایش داده و باعث تشویش بیشتر افکار عمومی می‌گردد. به همین دلیل قانون‌گذار اقدام به اعطای این اختیار به مدعی العموم کرده است.

۲-۱-۳. توارى و عدم دستیابى به متهم

در فرهنگ لغت عمید، «تواری» به معنای پنهان‌شدن، نهفته‌شدن و دربه‌درشدن می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۳۷۳). در اصطلاح فقهی نیز منظور از توارى مخفی‌شدن است، چنان‌که خداوند در قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مبارکه «ص» فرموده است: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ».^۲ در معنای حقوقی، متواری معنای متفاوتی از مجهول‌المکان دارد و معنای شخص فراری را نیز نمی‌دهد. ظاهراً منظور از متواری شخصی است که به‌منظور عدم دستیابی مأموران قضایی و انتظامی به وی از محل اقامت همیشگی‌اش خارج شده است و به مکانی نامشخص نقل مکان کرده است. بدین ترتیب به‌رغم مشخص‌بودن آدرس اقامتگاه شخص متواری، دسترسی به وی ناممکن است (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۴۱)؛ لذا در خصوص هر متهمی که شاکی و مقام قضایی از محل اقامت دائمی وی اطلاع دقیقی ندارند نمی‌توان جهت شناسایی و یافتن وی دستور انتشار تصاویر و مشخصاتش در رسانه‌ها را صادر کرد. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره گردد، وجود نوعی تعارض در مفاد این مقرر است. همان‌طور که گفته شد، در صورتی که هویت متهم محرز نباشد، تصویری که بر اساس مشخصات ظاهری وی توسط شاکی و سایر افراد داده می‌شود در رسانه‌ها منتشر می‌شود. غالباً با مجهول‌بودن هویت متهم، محل اقامت وی نیز نامشخص است و در نتیجه شرط توارى جهت انتشار هویت وی محقق نمی‌شود. مطلوب بود چنین شرطی برای رسانه‌ای کردن چهره افرادی که هویتشان نامشخص است پیش‌بینی نمی‌شد.

۱. البته در جرایم پیش‌بینی‌شده این مقرر در مصوبه اول مجلس (۱۳۹۰/۱۱/۱۹)، به جای مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر از مجازات‌های تعزیری درجه چهار و بالاتر نام برده شده بود.

۲. معنای آیه شریفه: «تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد.»

حال باید دید که در صورت یافت نکردن محل اقامتگاه متهم، چه واکنشی جهت تعقیب وی باید اتخاذ کرد. به نظر می‌رسد در این حالت متهم بر طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری از طریق نشر آگهی در روزنامه‌ها باید احضار شود. حتی پس از احضار از طریق مطبوعات، در صورت عدم حضور باز هم مجوزی برای انتشار چهره و هویت متهم وجود ندارد و بنا به ماده مذکور باز پرس به رسیدگی خودش ادامه خواهد داد. اما اگر پس از جست‌وجو، اقامتگاه متهم یافت گردید، باید ابتدا از طریق احضار، جلب، جلب بدون احضار و جلب سیار او را برای تحقیقات حاضر کرد و گرنه به رسانه‌ای کردن هویتش باید اقدام کرد. با توجه به این موضوع، قانون‌گذار، در قسمتی از ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، انتشار تصاویر متهمین را منوط بر آن کرده است «که از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد». بدین ترتیب با متواری شدن مرتکبین جرایم، رسانه‌ای کردن هویت وی نباید قدم ابتدایی جهت انجام تعقیب و تحقیقات باشد و پیش از آن باید اقدامات مذکور جهت دسترسی به متهم صورت گرفته و به نتیجه نرسیده باشد (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). به نظر می‌رسد فلسفه پیش‌بینی این ضابطه آن است که، با تواری متهم، نوعی ظن متعارف در قاضی دادسرا ایجاد می‌شود که مرتکب اصلی جرم شخص او می‌باشد؛ لذا درج مشخصات وی در رسانه‌ها و مطبوعات به‌عنوان یک ابزار مشروع جهت دستیابی به وی شناخته می‌شود.^۱

۳-۱-۳. وجود دلایل کافی برای اثبات اتهام

همان‌طور که بیان گردید، می‌توان به رسانه‌ای کردن هویت متهمی که به‌رغم صدور احضاریه و برگ جلب، محل اقامت دائمی خود را ترک نموده است اقدام کرد. بدین ترتیب، احضار، جلب و رسانه‌ای کردن هویت متهم سه راهکار دستیابی به وی جهت تکمیل تحقیقات می‌باشند. از آنجا که قانون‌گذار در ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و جلب افراد را منوط به وجود دلایل کافی کرده است، به نظر می‌رسد برای انتشار هویت متهم نیز چنین موضوعی باید لحاظ گردد؛ چراکه، در هر سه، نوعی محدودیت و هتک حیثیت و تجاوز به آزادی افراد صورت می‌گیرد. قانون‌گذار این موضوع را در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ کرده است، چنان‌که به‌موجب قسمتی از بند الف این مقرر برای درج مشخصات متهم جهت تعقیب، «دلایل کافی برای توجه اتهام به وی» باید وجود داشته باشد.

۱. در این رابطه باید به حکم شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران اشاره کرد که برائت متهم به کلاهبرداری را به‌علت متواری بودن نقض کرد. در این پرونده دادگاه بدوی با استناد به عدم توسل متهم به وسایل متقلبانه در جهت اغوای مال‌باخته رأی به برائت وی داد، ولی از آنجا که وی متواری بود و در هیچ‌یک از جلسات تحقیقات و دادرسی شرکت نکرده بود، مرجع تجدیدنظر در رأی نهایی به شماره ۰۳۲۱۰۲۲۲۱۰۲۳۰۹۹۷۰ این موضوع را اماره‌ای بر مجرم‌بودن وی تلقی کرد.

در تعریف، دلیل «به چیزی گفته شده که ذهن آدمی را از مجهول به معلوم رهنمون گردد، خواه به طور قطعی باشد و خواه به طور ظنی...» (آشوری، ۱۳۸۹: ۳۰۰). دلیل قطعی دلیلی است که بنا به ذاتش دارای حجیت عرفی است و باعث یقین افراد متعارف می‌شود؛^۱ لکن دلیل ظنی صرفاً باعث ایجاد ظن و تردید در افراد می‌شود و مصداق بارز آن امارات اعم از قانونی و قضایی می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۹۶-۱۹۷). حال باید دید که منظور قانون‌گذار از عبارت «دلایل کافی برای توجه اتهام به متهم» در مقررۀ مذکور چیست. آیا مراد از دلیل در این عبارت نوع قطعی آن است یا آنکه به صرف ایجاد این ظن که اتهام متوجه فردی است، اجازه رسانه‌ای کردن هویت وی جهت شناسایی و تکمیل تحقیقات وجود دارد.

در پاسخ به این سؤال، ابتدا باید دید که منظور از ظن و یقین چیست و نحوه احراز آن‌ها چگونه است. از نظر فقهی، «ظن» به حالت نفسانی بین قطع و شک گفته می‌شود. در واقع در این حالت نفسانی، احتمال اثبات موضوعی در حد پنجاه به علاوه یک تا کمتر از صد درصد است^۲ و برای ایجاد آن صرف وجود برخی قرائن و امارات کافی است. منظور از اماره و قرائن «هر چیزی است که اولاً جنبۀ کاشفیت داشته باشد و ثانیاً کاشفیت مذکور قطعی نبوده بلکه ظنی باشد» (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۷). اما منظور از یقین اعتقاد و باور استواری است که مطابق با حقیقت باشد و برای ایجاد آن نیاز به ادله محکمه‌پسند است. همان‌طور که گفته شد منظور از مصادیق ادله محکمه‌پسند در دادگاه‌ها اقرار، شهادت، اسناد و سوگند است که با وجود آن‌ها حکم قطعی داده می‌شود.

تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که دلیل مذکور در مقررۀ را صرفاً از نوع قطعی دانسته و تنها در صورت احراز این موضوع که متهم مرتکب اصلی جرم است، دستور انتشار هویت او را در رسانه‌ها دهیم. اگرچه در این دیدگاه، حقوق متهم به نحو احسن رعایت می‌گردد. لکن از آنجا که افراد عموماً پس از ارتکاب جرم در صدد تباری و از بین بردن آثار و ادله جرم هستند، این موضوع به زیان جامعه و قربانیان جرم خواهد بود. بنابراین، مصلحت جامعه و حفظ حقوق بزه‌دیده ایجاب می‌کند که، به صرف حصول ظن ارتکاب جرم توسط متهم، بتوان هویتش را رسانه‌ای کرد. اگرچه با این تفسیر، تا حدودی به حقوق متهمین جرم آسیب زده می‌شود، لکن هدف اقامۀ عدالت کیفری سریع‌تر به فرجام خواهد رسید. بدین ترتیب اگر قاضی با بررسی ادله و قرائن موجود در پرونده به این باور برسد

۱. اقرار، اسناد، شهادت و سوگند در ردیف ادله قطعی هستند.

۲. از منظر اصولیون نیز در مواقعی که ذهن انسان در موضوعی دچار تردید می‌شود، اگر میل به یک طرف تردید در نظر او قوی و میل به طرف دیگر ضعیف باشد، طرف اقوی ظن فرض می‌شود. برای مطالعه بیشتر، نک: (بابایی‌آریا و عبداللهی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴۱-۳۹).

که شخصی مظنون به ارتکاب جرم بوده و متواری است، باید دستور به انتشار هویت وی در رسانه‌ها بدهد؛ در غیر این صورت باید به جمع‌آوری ادله پردازد تا به یک نتیجه نهایی برسد. در رابطه با مسئولیت مقام قضایی که بدون احراز ظن متعارف دستور به انتشار چهره و هویت متهم می‌دهد باید گفت، به موجب ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی، به انفصال دائم از خدمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم می‌گردد.

مقنن با توجه به این موضوع که ممکن است در نهایت حکم به بی‌گناهی متهم داده شود و این ظن نامعتبر باشد، در ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام داشته است: «شخصی که به موجب حکم قطعی برائت حاصل کند می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.» پس رسانه‌ها همان طور که مکلفند به دستور مقام قضایی چهره متهم متواری را که دلایل و امارات موجود در پرونده علیه اوست رسانه‌ای کنند، وظیفه دارند که در صورت تبرئه وی، این موضوع را نیز منتشر نمایند. البته برخلاف قضیه انتشار هویت متهم که نوع رسانه مکلف به این کار مشخص نشده است، صرفاً روزنامه‌های کثیرالانتشار مجاز به درج حکم تبرئه متهم هستند.

۲-۳. انتشار هویت متهم جهت شناسایی بزه‌دیدگان

به موجب ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده شخصی است که «از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان واردشده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود». در عمل این افراد به علل متعددی از قبیل اعتقاد به ضعف مراجع قضایی و انتظامی جهت تسلط بر بزهکار و در نتیجه ممانعت از پرداخت هزینه‌های بیهوده دادرسی، حاضر به اقامه دعوی کیفری و خصوصی نیستند؛^۱ اما در نهایت با آگاهی از این موضوع که بزهکار در چنگ عدالت کیفری گرفتار شده است، قانع می‌شوند که جهت تعقیب وی و جبران خسارت‌های خود نزد این مراجع حاضر گردند. قانون‌گذار با توجه به این موضوع در بند (ب) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، دستور انتشار هویت بازداشت‌شدگانی را که به ارتکاب جرم اقرار کرده‌اند داده است. بنابراین، برای انجام این عملیات لازم است متهمین تحت تعقیب گرفتار شده باشند و به ارتکاب جرایمی که بزه‌دیدگان آن حاضر به تسلیم شکایت نشده‌اند اقرار کنند.

۱. برای مشاهده سایر علل، نک: (قوام، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۲).

۱-۲-۳. بازداشت متهم

بنا به بند (ب) ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، برای انتشار چهره متهمان جهت شناسایی بزه‌دیدگان، اقرار به ارتکاب جرایم متعدد ضروری است. از آنجا که این اقرار معمولاً با تحقیقات و بازجویی مفصل پلیس صورت می‌گیرد، بازداشت و نگهداری مظنون ضروری است. منظور از بازداشت توقیف افراد است، به گونه‌ای که صاحب‌منصبان پلیس می‌توانند شخص مظنون به ارتکاب جرم را، که وجودش برای تحقیق از جرم و کشف حقیقت لازم است، برای مدت مشخص و زیر نظر مقام قضایی تحت نظر قرار دهند (انصاری، ۱۳۸۰: ۴۳۵). در این رابطه به موجب ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری، «... چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». این موضوع در ماده ۴۴ این قانون در رابطه با جرایم غیر مشهود نیز پیش‌بینی شده است، چنان‌که در صورت ارتکاب این جرایم، مراتب برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌شود.

قانون‌گذار این موضوع را مورد توجه قرار داده است، لکن به جای عبارت بازداشت، صحبت از عملیات «دستگیری» کرده است. در لغت، دستگیری به معنای گرفتار ساختن و اسیر کردن است (معین، ۱۳۸۶: ۶۸۱) و در اصطلاح، عبارت است از محروم‌داشتن متهم از حق آزادی آمدوشد^۱ به منظور حاضر کردن وی نزد مراجع قضایی و قانونی (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۵۳) جهت بازجویی و انجام تحقیقات. این محدودیت ناشی از حکم مقنن است و توسط پلیس و شهروندان صورت می‌گیرد. نکته مهم موقتی بودن عملیات دستگیری و تحقق آن به‌طور آنی است، به گونه‌ای که زمان تحقق آن عرفاً بسیار کوتاه است و بلافاصله متهم برای انجام تحقیقات به نزد مراجع قضایی و انتظامی ذیصلاح ارسال می‌شود. بدین ترتیب، عملیات دستگیری مقدمه بازداشت است و هدف از آن حاضر کردن وی در نزد مراجع ذیصلاح قانونی جهت پاسخ‌گویی است. ظاهراً قانون‌گذار سهواً دچار چنین اشتباهی شده و مطلوب است به اصلاح مقرر اقدام کند.

۱. به موجب این حق، هر شخصی مختار است به مکان مدنظرش برود و کسی توانایی سلب این حق را ندارد، مگر به حکم قانون. در این رابطه «لرد دیلهورن» اعلام داشته است: «دستگیری افراد بستگی به قانونی بودن توقیف ایشان ندارد، بلکه به این معناست که آیا او را از رفتن به جایی که مطلوبش بوده است محروم کرده‌اند یا خیر؟» (Vollans and Asquith, 2011: 97).

۲-۲-۳. اقرار به ارتکاب جرایم نسبت به افراد متعدد و نامعلوم

در عرصه جزایی، منظور از اقرار «اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است».^۱ اگرچه در امور کیفری، بنا به مستندات، چون تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی و در نهایت قواعد فقهی چون «اقرار عند الحاکم»، اقرار نزد قاضی صادرکننده حکم موضوعیت دارد، لکن این مانع از عدم اعتبار قضایی این ادله قانونی در دادسرا نیست. با توجه به همین موضوع است که، بنا به بند (ت) ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اقرار متهم از جمله جهات قانونی شروع به تعقیب دادستان است یا، به موجب ماده ۱۹۵ این قانون، بازپرس مکلف شده است که متهم را تشویق به اقرار در مرحله تحقیقات مقدماتی کند.

البته بزهکاران حرفه‌ای که پس از ارتکاب جرایم متعدد بازداشت می‌شوند معمولاً در تحقیقات حاضر به اقرار به جرایم ارتکابی نیستند، مگر با وجود دلایلی چون انگیزه تخفیف مجازات^۲ در مواردی که جای انکار وجود ندارد. در این حال ممکن است دستگاه پلیس با حجم انبوهی از پرونده‌های کیفری که بزه‌دیده‌های آن ناشناخته مانده است روبه‌رو گردد. به دلیل جزئی بودن اقرار به ارتکاب جرایمی که قربانیان آن مشخص نیست^۳ و خصوصی بودن عمده این جرایم که جز با شکایت شاکیان پرونده به جریان نمی‌افتد، قانون‌گذار اقدام به اتخاذ این راهکار حقوقی کرده است. بدین ترتیب، منظور از این ضابطه اقرار به ارتکاب جرایم متعددی است که مجرم نه هویت قربانیان و محل اقامت آن‌ها را می‌شناسد و نه تعداد دقیق آن‌ها را می‌داند؛ در نتیجه اگر متهم به ارتکاب جرایم متعدد نسبت به یک بزه‌دیده گمنام یا چند بزه‌دیده معلوم یا ارتکاب یک جرم نسبت به قربانیان متعدد اقرار کند و صحت اعتبار این ادعا برای مقام قضایی محرز شود، حق رسانه‌ای کردن هویت وی وجود ندارد. همچنین این موضوع در خصوص جرایم بدون بزه‌دیده که با وقوع آن‌ها ضرری متوجه شخص معینی نمی‌شود، باید ملاحظه گردد.

حال ممکن است این سؤال مطرح گردد که اگر برای ضابطان و مقامات قضایی ظن ارتکاب جرایم متعدد حاصل شود و متهم این موضوع را رد کند، آیا حق رسانه‌ای کردن هویت وی جهت

۱. ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی

۲. به موجب بند (ت) ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، «اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی» از عوامل تخفیف در مجازات است.

۳. در اقرار جزئی، مُقر فقط به قسمتی از عمل انجام‌شده اقرار می‌کند، چنان‌که بگوید مرتکب قتل شده است و لکن نمی‌داند قربانی کیست یا در کجا دفن شده است. لازم به ذکر است در دعاوی کیفری اقرار کلی فاقد اعتبار است، مگر جزئیات موضوع به روشنی مشخص شود (زارع‌شعار، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

کشف جرایم و شناسایی بزه‌دیدگان وجود دارد یا خیر. در واقع گاهی مشاهده شده است که پلیس بدون اقرار صریح متهم، به‌صرف گمان به ارتکاب جرایم متعدد، اقدام به درج مشخصات متهمین در رسانه‌ها می‌کند.^۱ حال باید دید که آیا این عمل به‌لحاظ قانونی مجاز است یا خیر. این موضوع از دو زاویه قابل مطالعه است. از یک طرف، رعایت حقوق جامعه ایجاب می‌کند که اگر مجرم حرفه‌ای، که معشیت روزانه خود را از طریق ارتکاب بزه گذرانده است، بازداشت شود، به انتشار هویت وی اقدام گردد، هرچند که وی به جرایمی غیر از جرم کشف‌شده اقرار نکرده باشد. این موضوع با ملاحظه قواعدی چون «لاضرر»^۲ و «وجوب دفع ضرر محتمل»^۳ قابل توجیه است. از طرف دیگر، نفع حقوق متهم و رعایت تفسیر مضیق مقتضی این موضوع است که صرفاً با اقرار صریح وی به ارتکاب جرایم نسبت به افراد متعدد و نامعلوم به رسانه‌ای کردن هویت وی اقدام گردد. به نظر می‌رسد باید به نص ماده قانونی بسنده کرده و به‌صرف ایجاد ظن و گمان نباید حریم خصوصی و حیثیت افراد را مورد هتک قرار داد. همچنین به نظر می‌رسد در صورت اقرار فرد به ارتکاب جرایم با مشارکت دیگران، تنها می‌توان به رسانه‌ای کردن هویت وی اقدام کرد، مگر اینکه سایر افراد در مظان اتهام بازداشت شده و به مشارکتشان در ارتکاب جرم اقرار کرده باشند.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که قانون‌گذار، برخلاف بند (الف) این ماده، رسانه‌ای کردن هویت متهم جهت پیدا کردن بزه‌دیدگان را منوط به ارتکاب جرایم مهم و خاص نکرده است. به نظر می‌رسد فلسفه این موضوع از آن جهت است که در بند (الف) متهم متواری است و، به‌علت عدم حضور در دادسرا، از برائت خود دفاع نکرده است. قانون‌گذار با ملاحظه این موضوع که ممکن است بی‌گناهی متهم متواری بعدها ثابت شود، حق رسانه‌ای کردن هویت او را منحصر به ارتکاب جرایم سنگین کرده است و با این سیاست به منافع شخص متهم و جامعه توجه داشته است. لکن در بند (ب) متهم بازداشت شده است و در دادسرا به جرایم ارتكابی خود اقرار کرده است. با توجه به ارزش والای قضایی اقرار در اثبات دعاوی کیفری، مقام قضایی فرض را بر مجرم‌بودن فرد مقرر گذاشته است

۱. به‌طور مثال به گزارش ایسنا، در پی دستگیری و بازداشت مردی که دارای کلکسیون از جرایم نظیر تبانی و اجتماع و... بود، بازپرس پرونده به‌صرف سابقه متهم در جرایم مختلف و احتمال وجود دیگر جرایم ارتكابی، به‌منظور شناسایی شکات و مال‌باختگانی که توسط متهم مورد تهدید، ضرب و جرح، زورگیری، سرقت و... قرار گرفته‌اند، دستور انتشار تصویر متهم پرونده را صادر کرد (کد خبر: ۹۲۰۲۲۷۱۸۲۸۸، ۱۳۹۲/۲/۲۷).

۲. بنا به این قاعده ضرر و زیانی در اسلام وجود نداشته و هر گونه زیان در اسلام نفی شده است.

۳. منظور از این قاعده، حکم عقل به دفع ضرر احتمالی است، چنان‌که اگر انسانی درباره موضوعی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقلی دفع آن زیان محتمل واجب است.

و بدون آنکه منتظر حکم قطعی دادگاه گردد، برای شناسایی قربانیان جرایم سبک و سنگین، دستور انتشار هویت متهم در رسانه‌ها را داده است، هرچند که در این حالت به منظور فراری دادن مجرم اصلی امکان اقرار کذب وجود دارد و لازم است تحقیقات لازم برای احراز صحت آن صورت گیرد. البته باید به این نکته توجه داشت که در جرایمی که معمولاً فرایند ارتکاب بزه و چهره مجرم به رؤیت بزه‌دیده نمی‌رسد، منصفانه نیست، جهت آگاهی قربانیان جرم، اقدام به رسانه‌ای کردن هویت متهم کرد. در واقع در جرایمی مانند سرقت ساده منازل یا جرایم سایبری که معمولاً تبه‌کار مشاهده نمی‌شود، چاپ عکس متهمان در نشریات عمومی چه تأثیری جز نقض حقوق اساسی افراد خواهد داشت؟ مطلوب است این موضوع مدنظر مراجع قضایی قرار گیرد. در نهایت مطلوب به نظر می‌رسد مقام قضایی، با ملاحظه این اقرار، برای حفظ حقوق بزه‌دیدگان و شناسایی اکثر ایشان بتواند دستور تکرار این عملیات را بدهد.

نتیجه

امروزه نمی‌توان از اهمیت رسانه‌های گروهی در جهت کشف و تعقیب جرایم غافل شد؛ چراکه این ابزار می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار مراجع ذی‌ربط قرار دهند. اهمیت رسانه‌ها از آن جهت است که معمولاً بزه‌کاران پس از ارتکاب جرم سعی در گرفتار نشدن در چنگال عدالت کیفری دارند. با متواری شدن، پلیس در پی ردزنی و تعقیب ایشان است و در این مسیر از تمامی منابع اطلاعاتی استفاده خواهد کرد. البته از آنجا که دسترسی به همه این منابع غیرممکن است، توسل به رسانه‌ها برای نیل به این مطلوب الزامی خواهد بود. از طرفی با انتشار چهره متهمین بازداشت‌شده در رسانه‌ها، بزه‌دیدگان ایشان را شناسایی می‌کنند و فرصت اقامه دعوا علیه وی خواهند داشت.

ظاهراً در نظام‌های قدرتمند حقوقی دنیا، مشارکت دوسویه رسانه‌ها با مراجع ذی‌صلاح انتظامی و مردم سابقه دیرینه دارد، لکن در ایران این موضوع، تازه، جنبه تقنینی پیدا کرده است. البته تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، ضمن پذیرش تلویحی این همکاری در برخی نظریات مشورتی، گاهی از این راهکار جهت تعقیب متهمین استفاده می‌شد؛ لکن با تصویب این قانون، جنبه رسمی پیدا کرد و الزامی گشت. به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، به منظور تعقیب متهمین متواری و شناسایی بزه‌دیدگان متعدد و نامعلوم، با دستور مقام قضایی دادرسی، رسانه‌ها مکلف به رسانه‌ای کردن هویت متهم هستند. همان‌طور که مشخص است موارد مجاز انجام این عملیات محدود است که علت آن سلب کردن حیثیت از متهم، نفی محرمانه بودن تحقیقات و تأثیر سوء گذاشتن در فرایند دادرسی است.

اعطای این مجوز به رسانه‌ها نشان‌دهنده اهمیت تعامل این نهاد جهت ارتقای نظم عمومی است، مشروط به اینکه همکاری‌ها به صورت اصولی صورت بگیرد. در واقع رسانه‌ای کردن هویت متهم به علت تعارض با حقوق و آزادی‌های فردی باید با رعایت استانداردهای حقوقی لازم صورت گیرد و در صورت منطبق نبودن با این کیفیات، غیرقانونی باشد. قانون‌گذار با ملاحظه این مهم یک سری ضوابط برای انتشار هویت متهمین در نظر گرفته است. این ضوابط یک سری تشریفات هستند که رعایت آن‌ها باعث حفظ حقوق افراد می‌شود و با توجه به اهداف قانون‌گذار در بندهای الف و ب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری تفاوت می‌کند، چنان‌که برای درج مشخصات متهم جهت شناسایی وی یا تکمیل پرونده، لازم است جرایم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری به طور عمد ارتکاب یافته باشد و متهمی که دلایل کافی علیه او وجود دارد متواری شده باشد. همچنین برای شناسایی و یافتن بزه‌دیدگان لازم است متهم بازداشت شده باشد و به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده باشد.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، ولی‌اله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- بابایی‌آریا، علی و عبدالکریم عبداللہی نژاد (۱۳۹۱)، «بازپژوهشی در حجیت ظنّ مطلق»، فصلنامه فقه و اصول، دوره چهل و چهارم، شماره ۳.
- ترزومی نژاد، وحیده و شهرام جمشیدی (۱۳۹۳)، «نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت»، نشریه مطالعات رسانه‌ای، دوره ۹، شماره بیست و ششم.
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۲)، «نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- خالقی، علی (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ ششم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- دادستان، پربرخ (۱۳۸۲)، روان‌شناسی جنائی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی، موسی و رضا رحیمی (۱۳۹۶)، گفته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه.
- رستمی، ولی (۱۳۸۶)، «مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۲.
- زارع‌شعار، حسین (۱۳۸۶)، «اقرار کیفری در حقوق ایران»، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۷.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ لغت عمید، چاپ اول، تهران: نشر راه رشد.
- فرهمندفر، جعفر (۱۳۸۰)، جایگاه رسانه‌های گروهی در سیاست جنائی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- قوام، سیدعظیم (۱۳۹۲)، «نقش بزه‌دیدگان در کشف جرم و حمایت پلیس از آنان»، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳.
- کریمی، عباس (۱۳۸۶)، «تبیین منطقی دلیل قضائی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۴.
- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
- مقدسی، محمداقبر و محمد فرجیها (۱۳۹۲)، «بسترهای ظهور عوام‌گرایی کیفری»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۲.
- مهدوی‌پور، اعظم و نجمه شهرانی کهرانی (۱۳۹۲)، «تأثیر رسانه‌های جمعی در افزایش احساس ناامنی و ایجاد رویکردهای امنیتی»، نشریه مطالعات رسانه‌ای، دوره هشت، شماره بیست و سوم.
- نوروزی، محمد (۱۳۹۶)، نقش آفرینی شهروندان در مرحله تحقیقات مقدماتی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

روزنامه‌ها و سایت‌های خبری

- تابناک، کد خبر: ۱۷۱۳۱۸، ۱۳۹۰/۳/۲۸.
<http://www.tabnak.ir/fa/news/171318> (last visited on 2020/1/8)
- عصر ایران، کد خبر: ۲۳۷۶۵۰، ۱۳۹۱/۷/۳۰.
<http://www.asriran.com/fa/news/237650> (last visited on 2020/1/8)
- جام‌جم، کد خبر: ۱۳۵۱۳۸۵۰۹۳۲۹۲۸۵۰۶۲۹، ۱۳۹۲/۱۰/۲۹.
<http://jamejamonline.ir/online/1351385093292850629> (last visited on 2020/1/8)
- شیعه‌نیوز، کد خبر: ۲۱۷۲۶، ۱۳۹۰/۳/۲۸.
<http://www.shia-news.com/fa/news/21726> (last visited on 2020/1/8)
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران، کد خبر: ۳۵۰۴۷۹، ۱۳۹۳/۵/۲۳.
<http://www.asriran.com/fa/news/350479> (last visited on 2020/1/8)
- روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۴/۳/۴، ص. ۴.
<http://www.ettelaat.com/etiran/?p=122500> (last visited on 2020/1/8)
- همشهری، کد مطلب: ۳۶۷۵، ۱۳۹۲/۶/۴.
<http://www.hamshahrirain.ir/news-3675.aspx> (last visited on 2020/1/8)
- تابناک، کد خبر: ۲۹۱۶۲۲، ۱۳۹۱/۹/۲۵.
<http://www.tabnak.ir/fa/news/291622> (last visited on 2020/1/8)
- ایسنا، کد خبر: ۱۱۲۷۸-۸۶۰۷، ۱۳۸۶/۷/۲۱.
<https://www.isna.ir/news/8607-11278> (last visited on 2020/1/8)
- روزنامه انتخاب، شماره ۶۵۷، ۱۳۸۰/۵/۷.
 آفتاب نیوز، کد خبر: ۲۶۸۹۲۴، ۱۳۹۳/۸/۶.
- ایسنا، کد خبر: ۹۲۰۲۲۷۱۸۲۸۸، ۱۳۹۲/۲/۲۷.
<https://www.isna.ir/news/92022718288> (last visited on 2020/1/8)
- ایسنا، کد خبر: ۹۷۰۴۲۰۱۰۸۸۵، ۱۳۹۷/۴/۲۰.
<https://www.isna.ir/news/97042010885> (last visited on 2020/1/8)
- Times, January 30, 2016.

غیرفارسی

- Hess, Kären, Wayne Bennett (2006), **Criminal Investigation**, 8 edition, Wadsworth Publishing.
- Hunter, Ronald D (2010), **Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention**, Vol 1, 1 edition, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications.
- Miller, Linda S, Kären M. Hess (2017), **Community Policing: Partnerships for Problem Solving**, 8th Edition, Wadsworth Publishing.
- Timothy, Griffin, Monica K. Miller (2010), **Encyclopedia of Victimology and Crime Prevention**, Vol 2, 1 edition, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications.
- Vollans, Tim and Glenn Asquith (2011), **English Legal System Concentrate: Law Revision and Study Guide**, 2nd Ed, Oxford: Oxford University Press.

-
- Rosenbaum, De Dennis P. (1986), **Crime Stoppers: A National Evaluation**, Publisher: Washington, D.C.: U.S. Dept. of Justice, National Institute of Justice